



پژوهشی در رویکرد فقه الحدیثی اهل

سنت به مرویات از امام رضا علیه السلام

دریافت: ۱۴۰۰/۶/۳ پذیرش: ۱۴۰۰/۹/۲۸

طاهره ناجی صدره^۱، محسن نوراتی^۲

چکیده

حدیث دومین منبع معارف اسلامی است. مشکلاتی مانند تحریف، تصحیف و فراموشی و اشتباه راویان و ... سبب شده تا دسترسی به احادیث معتبر دشوار گردد. اندیشمندان مسلمان به‌ویژه محدثان شیعه و اهل سنت می‌کوشند تا با تکیه بر معیارهای معتبر، احادیث صحیح را مشخص کنند. هرچند اختلاف در معیارها سبب شده تا نتیجه کوشش ایشان در بیشتر موارد متفاوت باشد؛ اما در پاره‌ای موارد نیز هر دو گروه بر اعتبار یک روایت اتفاق نظر دارند. این نوشتار می‌کوشد با تکیه بر روش توصیفی تحلیلی، رویکرد فقه الحدیثی اهل سنت در مواجهه با مرویات از امام رضا علیه السلام را بررسی کند. نتیجه پژوهش نشان می‌دهد حدیث‌پژوهان اهل سنت، بسیاری از روایات فضایل اهل بیت علیهم السلام و حتی فضایل پیامبر صلی الله علیه و آله و نیز روایات طبّی امام رضا علیه السلام را ضعیف یا وضع شده از ناحیه روات ایشان قلمداد می‌کنند، ولی احادیث تفسیری و اخلاقی آن حضرت، نزد آنان از صحت و مقبولیت نسبی برخوردار است. نتیجه این پژوهش در حوزه مطالعات «مشترکات حدیثی» و نیز مرجعیت علمی اهل بیت علیهم السلام کاربرد دارد همچنان که در عرصه مطالعات تقریب مذاهب سودمند است.

کلیدواژه‌ها: روایات امام رضا علیه السلام، منابع اهل سنت، روایات فضایل معصومین علیهم السلام، روایات تفسیری، روایات طبّی، احادیث اخلاقی.

naji313t@yahoo.com
m.nouraei@umz.ac.ir

۱. دانش آموخته دکترای علوم قرآن و حدیث دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران (نویسنده مسئول):
۲. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران:

۱. بیان مسئله

روایات بر جای مانده از معصومان (علیهم السلام) منبع مهم معارف اسلام است. اهمیت و فرازمندی حدیث، مورد اتفاق فرقه‌های مختلف مسلمان است. هر یک از این فرقه‌ها با وضع ضوابط و معیارهایی می‌کوشند تا ضمن پالایش این منبع بزرگ به تفسیر و فهم درست از آن دست یابند. شماری از این معیارها مختص هر فرقه و بخشی دیگر مورد قبول همگی است. اختلاف در این ضوابط سبب شده تا گاه یک حدیث معتبر یا راوی موثق در یک فرقه، نزد گروه دیگر فاقد اعتبار باشد. با این همه، شماری از روایات، مورد پذیرش هر دو فرقه است و به اصطلاح از «مشترکات حدیثی» محسوب می‌شود.

بررسی رویکرد فقه الحدیثی اهل سنت نسبت به مرویات از معصومان (علیهم السلام) از حوزه‌های مطالعاتی سودمند در زمینه علوم حدیث محسوب می‌شود؛ زیرا از یک سو با واکاوی متون مشترک حدیثی در منابع فریقین، جایگاه، نقش و کارکرد حدیث در مباحث تقریب به‌طور جدی‌تر دیده می‌شود و از سوی دیگر، رویکرد عالمان اهل سنت نسبت به احادیث امامان معصوم (علیهم السلام) نقد و بررسی و از این رهگذر، در اثبات حقانیت سخنان این ذوات مقدس قدمی برداشته می‌شود.

عالمان اهل سنت در آثار خویش روایت‌های نقل شده از امام رضا (علیه السلام) را گزارش کرده‌اند. روایات منقول از امام رضا (علیه السلام) در منابع مختلف مانند: کتاب‌های حدیثی، تاریخی، اخلاقی، طبّی، انساب، تراجم، تفاسیر، مناقب و حتی ملاحم نقل شده است. عالمان اهل سنت در مواجهه با این احادیث، رویکرد یکسانی ندارند. ایشان در پاره‌ای از موارد مانند حدیث «حصن»^۱ و «ایمان»^۲ مرویات امام رضا (علیه السلام) را می‌پذیرند (ر.ک طبسی، ۱۳۸۸: ۱۰۹-۱۷۲). و در موارد دیگر به خصوص احادیث طبّی و فضایل معصومان (علیهم السلام) بدون تأمل، آن را رد و «موضوع» اعلام می‌کنند. برخی دیگر مانند ابن حبان به سبب فقدان برخی شروط این روایات را نامعتبر دانسته‌اند. به نظر ابن حبان روایات ایشان

۱. «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حِصْنِي، فَمَنْ قَالَهَا دَخَلَ حِصْنِي، وَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي أَمِنَ عَذَابِي» (ابن عساکر، ۱۴۱۵ق، ج ۲: ۶۸۰)

۲. «الْإِيمَانُ بِاللَّهِ يَقِينُ بِالْقَلْبِ وَإِقْرَارًا بِاللِّسَانِ وَعَمَلًا بِالْأَرْكَانِ» (ابن ماجه، ۱۳۷۲ق، ج ۱: ۲۵)

هنگامی معتبر است که از طریق فرزندان یا شیعیانش نقل نشده باشند (همان: ۴۵۶). گاه پس از رد روایات به شرافت نسب امام (علیه السلام) اشاره کرده و خلل در روایات را بیشتر از ناحیه راویان دانسته‌اند (سمعانی، ۱۴۱۹ق، ج ۳: ۷۴) به‌عنوان نمونه، ابن حبان معتقد است بخش بیشتر سخنان آن حضرت مقبول نیست، چراکه اکثر احادیث امام (علیه السلام) در واقع از یکی از این طرق به ما رسیده است (ر.ک: ذهبی، ۱۴۲۷ق، ج ۸: ۱۱۸؛ ۱۴۰۷ق، ج ۱۴: ۲۷۲). بنابراین آنان گرچه بعضی از احادیث امام رضا (علیه السلام) را پذیرفته‌اند، لیکن بخشی را هم نقد و در موارد بسیار رد کرده‌اند.

بر اساس جست‌وجوی نویسنده این نوشتار، رویکرد فقه الحدیثی اهل سنت در مواجهه با احادیث نقل شده از امام رضا (علیه السلام) به صورت منسجم و مفصل بررسی نشده و به پرسش‌های متعدد در این باره پاسخ داده نشده است. مانند این پرسش که

۱. آیا می‌توان نظرات عالمان مختلف اهل سنت در این باره را گردآوری و در قالب یک رویکرد مشخص گزارش و تحلیل کرد؟

۲. آیا محدثان اهل سنت در مواجهه با احادیث گوناگون نقل شده از آن امام همام، رویه واحدی داشتند؟

۳. آیا رویکرد عالمان اهل سنت به احادیث اخلاقی و طیبی نقل شده از ایشان مانند احادیث تفسیری است؟

۴. چه تعداد از احادیث نقل شده از امام رضا (علیه السلام) مورد پذیرش اهل سنت قرار گرفته است؟ این احادیث مربوط به موضوعاتی است؟

این نوشتار در پی پاسخ به این پرسش‌ها تدوین شده است و می‌کوشد ضمن استخراج دسته‌بندی دیدگاه محدثان اهل سنت، به تحلیل آن‌ها بپردازد.

۲. رویکرد انتقادی به روایات امام رضا (علیه السلام)

همان گونه که اشاره شد عالمان اهل سنت در مواجهه با مرویات امام رضا (علیه السلام) رویه یکسانی ندارند. ایشان در پاره‌ای از موارد پس از نقل روایات از حضرت به نقد متنی و سندی آن دست یازیده‌اند. اینک برخی از نمونه‌های نقد متنی و نقد سندی به تفکیک گزارش و بررسی می‌شود.

۲-۱. نقد سندی

به نظر اهل سنت، مهم‌ترین نقدی که متوجه روایات امام رضا (علیه السلام) است، نقد سندی است. نکته قابل توجه اینکه آنان آن دسته از روایان را متهم به وضع دانسته‌اند که از آن حضرت، مهم‌ترین نسخه‌های حدیثی را نقل کرده‌اند. برخی از روایان از این قرارند:

۲-۱-۱. عبدالله بن عامر طائی

عبدالله بن عامر طائی یکی از روایان است که کتاب مشهور به «صحیفه الرضا» را روایت کرده است. اکثر حدیث‌پژوهان اهل سنت، نسخه‌ای را که او به واسطه پدرش از امام (علیه السلام) نقل کرده، باطل و موضوع قلمداد کرده‌اند (ابن جوزی، ۱۴۰۱ق، ج ۲: ۵۸؛ سیوطی، ۱۴۱۷ق، ج ۲: ۱۷۹؛ ذهبی، ۱۳۸۲ق، ج ۸: ۳۳). برخی از رجال‌شناسان آن‌ها درباره‌اش نوشته‌اند: «لم یکن بالمرضى» (ابن حجر عسقلانی، ۱۳۹۰ق؛ ج ۳: ۲۵۲؛ سهمی، ۱۴۰۴ق، ج ۱: ۲۴۰).

از شیعه نیز گروهی از حدیث‌پژوهان معتقدند کتاب‌ها و مسانید منسوب به امام رضا (علیه السلام)، نوعاً از مجعولات غلات است (معارف، ۱۳۷۴: ۳۱۴) و دلایل وافی برای اثبات صدور برخی از آن‌ها از امام (علیه السلام) وجود ندارد (فضل‌الله، ۱۳۸۵: ۲۰۱). صحیفه الرضا را بزرگانمانند شیخ صدوق، نجاشی، شیخ سجستانی و علامه طبرسی روایت کرده و بر آن اعتماد کرده‌اند. برخی از عالمان اهل سنت مانند ابو محمد جمشادی، اسماعیل بن احمد

بیهقی، قاضی ابن ابی النجم و ابن عساکر نیز اهمیت زیادی برای نقل این کتاب قائل شده‌اند، تا جایی که بر آن شروحو نیز نوشته شده است (حبشی، ۱۴۲۵ق، ج ۱: ۸۸؛ کحاله، ۱۴۱۴ق، ج ۱۰: ۸۱).

برخی نقل کرده‌اند اگر سند «صحیفه الرضا» در گوش مجنون خوانده شود، هوشیار خواهد شد (زمخشری، ۱۴۲۷ق، ج ۱: ۳۲۴). گروهی نیز به نسخه منسوب به امام (علیه السلام) اشاره کرده، ولی در رد آن مطلبی تحریر نکرده‌اند (ابن ماکولا، ۱۴۱۱ق: ۷۵؛ سمعانی، ۱۳۹۵ق، ج ۲: ۹۷، ابن عساکر، ۱۴۱۵ق، ج ۳۴: ۲۲).

۲-۱-۲. اباصلت هروی

یکی از روایانی که بسیاری از احادیث امام رضا (علیه السلام) را نقل کرده، اباصلت هروی است که بعضی از رجال شناسان اهل سنت با اوصافی مانند «رَافِضِي حَبِيث»، «مَتَّهَم» (سبکی، ۱۴۱۳ق، ج ۱: ۸۷) «واه شیعی، متهم مع صلاحه» (ذهبی، ۱۴۱۳ق، ج ۱: ۶۵۲) از او یاد کرده و برخی دیگر معتقدند احتجاج به حدیثی که تنها او نقل کرده جایز نیست (ابن جوزی، ۱۴۰۶ق، ج ۲: ۱۰۶). از سوی دیگر، بعضی از وی با عنوان «ادیب، فقیه و عالم» یاد کرده‌اند (مزی، ۱۴۰۰ق، ج ۱۸: ۷۳).

طبقات‌نویسان و رجال‌شناسان اهل سنت بعضی دیگر از روایان امام (علیه السلام) مانند «احمد بن علی بن صدقه» (ذهبی، ۱۳۸۲ق، ج ۱: ۲۶۱) و «داوود بن سلیمان غازی» (همان: ۲۱۸) را نیز ضعیف و متهم به وضع دانسته‌اند.

نکته قابل ذکر آن است که آنان تنها دسته‌ای خاص از احادیث امام (علیه السلام) را که از نگاه آنان روایان غیرموثق روایت کرده‌اند، نقل و نقد کرده‌اند. این در حالی است که روایات متقن‌تر دیگری که اشخاص مزبور در اسناد آن‌ها وجود ندارند، نیز از امام (علیه السلام) وارد شده و برخی نویسندگان اهل سنت در کتاب‌های خود آورده‌اند. به‌عنوان نمونه، حدیث مشهور «أَفْضَلُ أَعْمَالِ أُمَّتِي أَنْ تَبْتَاطِرُ الْفَرَجِ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ» را که ابن عامر طائی نقل کرده،

تنوخی در «الفرج بعد الشده» آورده است (تنوخی، ۱۳۹۸ ق، ج ۱: ۱۱۱)، ولی در هیچ یک از کتاب‌های روایی اهل سنت یافت نشد؛ بنابراین به نظر می‌رسد اکثر قریب به اتفاق اهل سنت، روایاتی را از امام رضا (علیه السلام) در کتاب‌های خود آورده و نقد کرده‌اند که یا با مبانی آن‌ها بیشتر سازگاری دارد یا دارای مضامین طبّی و فضایل اهل بیت (علیهم السلام) است که از نگاه آن‌ها کاملاً خدشه‌دار است (نیز ر. ک: همین نوشتار، اولین نمونه از روایات اخلاقی و سومین نمونه از روایات تفسیری).

۲-۲. نقد متنی

از نگاه حدیث‌شناسان اهل سنت، از نقدهایی که به احادیث امام رضا (علیه السلام) وارد است، عجیب بودن آن‌هاست که مراد آن‌ها، اغلب احادیث طبّی و روایات فضایل معصومان (علیهم السلام) است. گرچه در مواردی، احادیث با موضوعات دیگر را نیز عجیب قلمداد کرده‌اند، به‌عنوان مثال، مقدسی پس از نقل روایت «مَنْ أَدَّى فَرِيضَةً فَلَهُ عِنْدَ اللَّهِ دَعْوَةٌ مُسْتَجَابَةٌ» می‌گوید: «وَيَأْتِي عَنْ أَبِيهِ بِالْعَجَائِبِ» (۱۴۱۵ ق، ج ۱: ۳۰۷) و بعضی فراتر از این، به وضع آن حکم کرده‌اند (ابن حجر عسقلانی، ۱۳۹۰ ق، ج ۲: ۴۱۷). در حالی که همین روایت با اندک تفاوت در منابع اهل سنت از رسول خدا (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) نقل شده است: «مَنْ صَلَّى فَرِيضَةً فَلَهُ دَعْوَةٌ مُسْتَجَابَةٌ» (طبرانی، ۱۴۰۴ ق، ج ۱۸: ۲۵۹) همچنان که در روایت نبوی دیگری آمده است: «إِنَّ لِلَّهِ عِتْقَاءَ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَلَيْلَةٍ لِكُلِّ عَبْدٍ مِنْهُمْ دَعْوَةٌ مُسْتَجَابَةٌ» (نوری، ج ۶: ۱۷۳). این روایت به سند دیگری نیز در منابع آنان آمده است (سیوطی، ۱۴۱۴ ق، ج ۴: ۴۰۴؛ متقی، ۱۴۰۱ ق، ج ۷: ۳۱۳).

در پاسخ به نقدهای اهل سنت، ذکر چند نکته ضروری می‌نماید:

اول آنکه، اثبات قطعاً کذب حدیث، کاری دشوار است؛ زیرا این قضاوت بر پایه معیارهای ظنی صورت می‌گیرد و احتمال دارد حدیث فی نفس الامر صحیح باشد و این مطلبی است که در کلمات عالمان اهل سنت نیز آمده است (قاری، ۱۳۹۸ ق: ۱۸۷؛ عجلونی، ۱۳۵۱ ق، ج ۱: ۸).

دوم آنکه، صرف عجیب بودن یک مطلب برای انکار آن کافی نیست، بلکه قراین متعددی نیاز است تا یک حدیث پژوه بتواند به وضع یک سخن حکم کند. این قراین و نشانه‌ها در کتاب‌های متعدد اهل سنت بیان شده است (ر.ک: رفیعی محمدی، ۱۳۸۴: ۱۹۶-۲۰۱).

۲-۳. جایگاه روایات تفسیری امام رضا (علیه السلام) در منابع اهل سنت

از امام هشتم (علیه السلام) روایات تفسیری متعددی در بیان سبب نزول، معانی مفردات، تبیین آیات از راه بیان مصداق و قیده‌های توضیحی آیات، توجه به نوع خطاب، تفسیر قرآن به قرآن، تفسیر قرآن به سنت، تأویل آیات متشابه، بیان بطون آیات، تبیین آیات الاحکام و... در کتاب‌های شیعه وارد شده است (ر.ک: مصلائی پور یزدی و دیمه کار، ۱۳۸۹: ۳۷). مفسران اهل سنت برخی از این روایات را نقل کرده و شماری از آن را به دیده صحت نگریسته‌اند. در ذیل، به نمونه‌هایی اشاره می‌کنیم.

۲-۳-۱. ناتوانی عقول از درک کیفیت باری تعالی

یکی از احادیث تفسیری منقول از امام رضا (علیه السلام) در منابع اهل سنت، روایتی است که مفاد آن به ناتوانی عقل از درک کیفیت ذات خداوند متعال اشاره دارد. ابومحمد عینی در شرح سنن ابی داوود در «بَابِ فِي سُورَةِ الصَّمَدِ» پس از نقل حدود ۲۰ قول از کسانی مانند قتاده، کلبی، ابوهریره و جنید می‌گوید: «وقال علی بن موسی الرضا: الذی ایست العُقُولُ عن الاطلاعِ اِلی کیفیتهِ» (عینی، ۱۴۲۰ ق، ج ۵: ۳۷۷) ثعلبی نیز این حدیث را در تفسیر خود آورده است (۱۴۲۲ ق، ج ۱۰: ۳۳۵). برخی دیگر، آن را بدون اسناد به امام رضا (علیه السلام) و با عنوان «قیل» نقل کرده است (۱۴۱۸ ق، ج ۱: ۱۰۱، ابن ملقن، ۱۴۰۸ ق، ج ۱: ۶۰۱).

از جمله مفسران شیعه که حدیث مذکور را نقل کرده‌اند، شیخ ابوعبدالله محمد (م ۵۶۰ ق) صاحب تفسیر «عین المعانی فی تفسیر السبع المثانی» است. این نکته را «کاشانی» در «منهج الصادقین» بدون ذکر سند آورده است (کاشانی، ج ۱۰: ۳۹۷) و اما مضمون روایت در

منابع متقدم شیعه به نقل از امام باقر (علیه السلام)، در معنای واژه «الله» آمده است: «الله معناه: المعبود الذی أله الخلق عن درك ماهيته و الاحاطة بکیفیته» (ابن بابویه، ۱۳۹۸ ق: ۸۹).

بعضی از نویسندگان کتاب‌های کلامی نیز از امام (علیه السلام) روایت دیگری را با این مضمون نقل کرده‌اند که «إذا بلغ الکلام إلی الله فأمسکوا» (مقرئ، ۱۹۹۶ م، ج ۵: ۹۹؛ انصاری، ۱۴۱۹ ق، ج ۴: ۱۳۵).

۲-۳-۲. پرسش از تقدیر و مشیت خداوند

موضوع «قدر و مشیت خداوند» از مباحث بحث‌انگیز در حوزه دانش کلام است که مفسران نیز ذیل آیات مرتبط بدان توجه دارند. یکی از روایات تفسیری منقول از امام رضا (علیه السلام) در منابع اهل سنت، روایتی است که آن حضرت به پرسشی در این باب پاسخ داده است: «أخبرنا أبو عبد الله الحافظ قال: سمعتُ أبا الحسن... فسئل عن القدر فقال: قال الله عز من قائل: «إِنَّ الْمُجْرِمِينَ فِي ضَلَالٍ وَسُعْرٍ يَوْمَ يُسْحَبُونَ فِي النَّارِ عَلَى وُجُوهِهِمْ دُوقُوا مَسَّ سَقَرَ إِنَّا كُلُّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ» ثُمَّ قَالَ الرضا: ... عَنْ أَبِيهِ أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ كَانَ يَقُولُ: «إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ بِقَدَرٍ حَتَّى الْعَجَزَ وَالْكَيسَ وَإِلَيْهِ الْمَشِيئَةُ وَبِهِ الْحَوْلُ وَالْقُوَّةُ» (کاشفی بیهقی، ج ۱: ۴۲۶).

این حدیث در منابع عامه از طریق امام رضا (علیه السلام) و به‌طور مسند به پیامبر (صلی الله علیه و آله) منسوب شده و در نگاشته‌های برخی اندیشوران شیعی با زیادتی در متن و البته بدون سند، از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نقل شده: «إِعْلَمُوا كُلُّ مَيْسَرٍ لِمَا خَلَقَ لَهُ كُلُّ شَيْءٍ بِقَدَرٍ حَتَّى الْعَجَزُ وَالْكَيسُ»^۱ (صدر الدین شیرازی، ۱۳۸۳، ج ۴: ۳۱۹).

ثعلبی در تفسیر آیه ۴۹ سوره قمر، حدیث دیگری را در این باره از آن حضرت آورده است: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ قَدَّرَ الْمَقَادِيرَ وَدَبَّرَ التَّدْبِيرَ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَ آدَمَ بِالْفِيءِ عَامًا» (ثعلبی، ۱۴۲۲ ق، ج ۹: ۱۷۹). این مضمون با کمی تفاوت از طریق دیگر نیز از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نقل شده (طبرانی،

۱. عمل کنید؛ زمینه هر کاری که انسان برای آن آفریده شده (و نهادش بدان سرشته شده) فراهم و مهیاست. همه چیز مقدر است (نه از نوع جبر بلکه به معنای درست تقدیر) حتی ناتوانی و زیرکی.»

۱۴۰۴ ق، ج ۱۴: ۶۶) و برخی حدیث‌پژوهان عامه به صحت آن حکم کرده‌اند (عجلونی، ۱۳۵۱ ق، ج ۱: ۱۱۳). همچنین حدیث منقول از امام رضا (علیه السلام) در تفسیر ثعلبی، به دو طریق در منابع شیعه آمده است (ر.ک: صحیفه الرضا، ۱۴۰۶ ق: ۶۰؛ ابن بابویه، ۱۳۹۸ ق: ۳۷۶).

شارحان کتب حدیثی شیعه، عبارت «كُلُّ مُيَسَّرٍ لِمَا خُلِقَ لَهُ» را بارها نقل و در تبیین روایات بدان استناد کرده‌اند (همان، ج ۱: ۵۲۸، ج ۲: ۳۰۲، مازندرانی، ۱۳۸۲ ق، ج ۱۰: ۲۰۳، ج ۱۱: ۲۳۱). برخی دیگر به اجمال (کبیر مدنی، ۱۴۰۹ ق، ج ۱: ۲۲۸، فیض کاشانی، ۱۴۰۶ ق، ج ۱: ۵۵۲) یا تفصیل درباره آن سخن گفته‌اند (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۴: ۴۸۱؛ حسینی همدانی، ۱۳۶۳، ج ۳: ۳۷).

اهمیت تبیین حدیث مذکور از آن روست که می‌تواند توهم جبر را به دنبال داشته باشد. به همین دلیل برخی مفسران ذیل این گونه آیات از روایت مورد بحث یاد کرده و آن را شرح داده‌اند. از جمله، علامه طباطبایی در بحث روایی آیات «... فَمِنْهُمْ شَقِيٌّ وَسَعِيدٌ فَأَمَّا الَّذِينَ شَقُوا فَمِنَ النَّارِ...» (هود، ۱۰۵-۱۰۶)، حدیثی را نقل کرده که با عبارت «كُلُّ مُيَسَّرٍ لِمَا خُلِقَ لَهُ» ختم می‌شود. سپس به تفصیل، درباره آن سخن گفته است (طباطبایی، ۱۴۰۲ ق، ج ۱۱: ۳۹-۳۶).

۲-۳-۳. عدم تکلیف ما لایطاق از سوی خداوند متعال

«تکلیف ما لایطاق» از موضوعات کلامی مورد اختلاف میان اشاعره، معتزله و امامیه است. اشاعره قائل به امکان آن‌اند و امامیه و معتزله به عدم امکان این گونه از تکالیف حکم رانده‌اند. یکی از مرویات از امام رضا (علیه السلام) در منابع اهل سنت با همین مضمون چنین است: «سُئِلَ عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرَّضَا أَيْكُلِفُ اللَّهُ الْعِبَادَ مَا لَا يُطِيقُونَ؟ قَالَ: هُوَ أَغْدَلُ مِنْ ذَلِكَ، قَالَ: فَيَسْتَطِيعُونَ أَنْ يَفْعَلُوا مَا يُرِيدُونَ؟ قَالَ: هُمْ أَعْجَزُ مِنْ ذَلِكَ»^۱ (سلفی، ۱۴۲۵ ق، ج ۲: ۶۲۱).

۱. از آن حضرت سؤال شد: آیا خداوند بندگان را به چیزی که طاقت ندارند مکلف کرده؟ فرمود: حق تعالی عادل‌تر است از این. گفته شد: آیا انسان‌ها می‌توانند هرچه بخواهند انجام دهند؟ فرمود از آن عاجزترند.

این حدیث از آن دسته روایاتی است که در کتاب‌های اهل سنت آمده و به خود حضرت منسوب است نه به رسول خدا ﷺ؛ از این رو به جز منبع مذکور در دیگر کتاب‌های آنان مانند اجزای حدیثی، زواید، تفاسیر، شروح احادیث و ... نیامده است. تنها برخی نویسندگان تراجم وقتی خواسته‌اند نمونه‌ای از سخنان آن حضرت را به‌عنوان شخصیتی برجسته نقل کنند، به همین روایت اشاره کرده‌اند (ر.ک: صفدی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۲: ۱۵۵؛ ذهبی، ۱۴۲۷ق، ج ۸: ۱۱۷؛ ۱۴۰۷ق، ج ۱۴: ۲۷۰، ابن حجر عسقلانی، ۱۴۰۴ق، ج ۷: ۳۸۷).

به نظر می‌رسد یکی از دلایل ذکر نشدن این حدیث در کتاب‌های تفسیری یا اعتقادی اهل سنت، این باشد که اشاعره^۱ که امروز بیشتر اهل سنت را تشکیل می‌دهند، به جواز «تکلیف مالایطاق» از سوی خداوند قائل‌اند (شهرستانی، ۱۴۰۴ق، ج ۱: ۹۳) در حالی که طبق این روایت، خداوند عادل‌تر از آن است که بندگان را به انجام کارهایی خارج از توانشان مکلف کند. با وجود این، برخی از اهل سنت که این عقیده را به‌طور تفصیلی رد کرده‌اند نیز آن را در کتاب‌های خود نیاورده‌اند (ر.ک: کرمی، رفع الشبهة والغرر عن یحتج علی فعل المعاصی بالقدر، ۱۴۱۰ق، ج ۱: ۴۸-۵۲). حدیث مذکور در شیعه نیز با اندک اختلافی در واژه‌ها در برخی کتب روایی متقدم آمده است (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۱: ۱۴۲؛ اربلی، ۱۳۸۱ق، ج ۲: ۲۸۸).

بدیهی است این روایت آشکارا با آیاتی مانند «لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا» (بقره، ۲۸۶)، «وَلَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا» (طلاق، ۷) و «لَا تُكَلِّفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا» (بقره، ۲۳۳) مرتبط است. از این رو، ابن شهر آشوب آن را در عنوان «فصل فی التکلیف» و ذیل این آیات آورده است (۱۳۶۹ق، ج ۱: ۱۴۶) برخی از مفسران نیز نقلی شبیه به آن را ذیل آیه «وَمَا رَبُّكَ بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ» (فصلت، ۴۶) آورده‌اند: «سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرِّضَا (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فَهَلْ كَلَّفَ عِبَادَهُ مَا لَا يُطِيقُونَ؟ فَقَالَ: كَيْفَ يَفْعَلُ ذَلِكَ وَهُوَ يَقُولُ: وَمَا رَبُّكَ بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ؟» (حویزی، ۱۴۱۵ق،

۱. از این رو «خوانساری» از شرح‌حال نویسان شیعه از این حدیث استفاده کرده «بوالعباس مبرّده»، ادیب، نحوی و لغوی نامدار که سخن او نزد فریقین مقبول است (شرف‌الدین، ج ۱: ۳۸۰) و در برخی منابع به‌عنوان راوی این حدیث، از او یاد شده، شیعه امامیه بوده نه از جریبه اشاعره (خوانساری، ۱۳۹۰ق، ج ۷: ۲۸۵)

ج ۴: ۵۵۵؛ بحرانی، ۱۴۱۵ق، ج ۴: ۷۹۳)

روایات تفسیری دیگری نیز از امام (علیه السلام) در تفاسیر اهل سنت آمده است (ر.ک: نیشابوری، ۱۴۱۵ق، ج ۲: ۶۹۰؛ ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ج ۱: ۱۴۰؛ ج ۵: ۲۱۳؛ ج ۱۰: ۲۲۵؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۸: ۴۱۶؛ ج ۱۱: ۳۱۷، ۴۳۳؛ سلمی، ۱۳۶۹، ج ۲: ۲۸۳، ۶۵؛ ج ۲: ۳۰۱، ۴۲۰، ۴۳۱؛ ابن عدیم، ج ۳: ۱۱۷۵؛ سلفی، ۲۰۰۴م، ج ۱: ۵۷؛ ابن نجار، ۱۴۱۷ق، ج ۳: ۱۶۱؛ ابن اثیر، ۱۴۰۸ق، ج ۲: ۱۶۵).

۲-۴. جایگاه روایات طبّی امام رضا (علیه السلام) در منابع اهل سنت

از جمله مجموعه‌های احادیث طبّی که به امام رضا (علیه السلام) منسوب است، رساله ذهبیه یا طب الرضا (علیه السلام) است که برخی از روایات آن، در منابع اهل سنت نقل شده است. برخی در ردّ یا نقد آن چیزی نگفته‌اند (ابن نقطه، ۱۴۱۰ق، ج ۳: ۲۹۵) و بعضی دیگر آن را اولین کتاب مشهور در طبّ نبوی دانسته‌اند (نجیب سالم، ج ۱: ۱۰۹). عده‌ای هم معتقدند همه روایاتی که در باب خواص خوردن عدس، انار، مویز و ... وارد شده، ساخته زنادقه است و با هدف وهن اسلام وارد کتاب‌های محدثان شده است، ولی دلیلی بر مدعای خود ذکر نکرده‌اند (ر.ک: قاری، ۱۳۹۱ق، ج ۱: ۴۸۵؛ عجلونی، ۱۳۵۱ق، ج ۲: ۴۲۱).

به نظر می‌رسد رویکرد غالب درباره جایگاه احادیث طبّی امام رضا (علیه السلام) در کتاب‌های اهل سنت، جز موارد محدود، آن است که نقل این احادیث نه به انگیزه استناد به آن بلکه بیشتر با انگیزه رد و نقد آن صورت گرفته است. به همین دلیل بسیاری از این احادیث در کتاب‌های «موضوعات» آنان گنجانده شده است. آری، ما نیز می‌پذیریم که بیشتر ابواب حدیثی از پدیده نامیمون وضع در امان نمانده و احادیث طبّی نیز از این امر مستثنا نیست، ولی این امر نباید سبب شود که تمامی احادیث یک باب کنار گذاشته شود؛ زیرا همان‌طور که بعضی صاحب‌نظران شیعی گفته‌اند متن بعضی از مطالب «طب الرضا (علیه السلام)» ضعیف و دارای رکاکت است (ر.ک: معارف، ۱۳۷۴: ۳۳۸؛ بهبودی، ۱۳۶۲: ۳۲، ۱۳۱، ۱۹۸)، ولی با وجود معیارهای مختلف تشخیص حدیث صحیح، می‌توان این دورا از

یکدیگر جدا و مجموعه‌ای صحیح از احادیث طبّی را گردآوری کرد. در اینجا به نمونه‌هایی از نوع نگاه عالمان اهل سنت به این روایات اشاره می‌کنیم.

۲-۴-۱. حدیث فضیلت خوردن نمک

یکی از روایات نقل شده از امام رضا علیه السلام با موضوع طبّی، روایتی است که درباره فواید و سودمندی‌های نمک بیان شده است: **عَبْدُ اللَّهِ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ عَامِرٍ حَدَّثَنِي أَبِي حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرَّضَا ... حَدَّثَنِي أَبِي عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ مَرْفُوعًا: يَا عَلِيُّ عَلَيَّكَ بِالْمِلْحِ فَإِنَّهُ شِفَاءٌ مِنْ سَبْعِينَ دَاءً الْجُدَامُ وَالْبَرَصُ وَالْجُنُونُ.**

ابن جوزی معتقد است صدور این حدیث از پیامبر صلی الله علیه و آله صحیح نیست و متهم (به وضع آن) عبدالله بن احمد بن عامر یا پدرش است (۱۳۸۶ ق، ج ۲: ۲۸۹) سیوطی نیز سخن وی را تکرار کرده (۱۴۱۷ ق، ج ۲: ۱۷۹) با وجود این، حدیث دیگری را با همین مضمون با هفت واسطه به نقل از کتاب «الشعب» بیهقی از امام علی علیه السلام نقل کرده است (همان). برخی دیگر نیز با اینکه به طرق مختلف به این حدیث اشاره کرده‌اند، ولی درباره اش این گونه قضاوت کرده‌اند: «فالحديث موضوع مرفوعاً ومنكر جداً موقوفاً على علي بن أبي طالب (رض) والله أعلم!» (سلفی، ۱۴۲۵ ق، ج ۳: ۱۲۲۸).

ذکر چند نکته ضروری به نظر می‌رسد:

۱. علاوه بر روایت مذکور، روایات متعدد دیگری نیز از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، امام علی علیه السلام و امام صادق علیه السلام درباره خواص نمک وارد شده است (ر.ک: برقی، ۱۳۷۱ ق، ج ۲: ۵۹۰-۵۹۱)؛ بنابراین در بررسی حدیث باید به این احادیث نیز مراجعه و در سند و محتوای آن تامل شود.

۲. طبق آنچه در علم پزشکی ثابت شده، نمک دارای خواص درمانی فراوان است که بیان آن‌ها خارج از مبحث کنونی است (ر.ک: رئیسی، ۱۳۸۸: ۳۸-۳۹)

۳. علاوه بر این، همان‌طور که پیش از این گفته شد، این فرض معقول نیست که

تمامی سخنانی که از پیامبر صلی الله علیه و آله با مضامین واحد یا شبیه، توسط روایان مختلف صادر شده، وضع شده از سوی زنداقه یا گروه‌های دیگر تلقی شود.

ممکن است یکی از دلایل ردّ این قبیل روایات، اعتقاد به این مسئله باشد که کمال پیامبران، بی‌توجهی به دنیا و شأن آنان بالاتر است که بخواهند در جزئی‌ترین امور دنیایی دخالت کنند، اما بدیهی است که این مغالطه‌ای بیش نیست؛ زیرا معصومان علیهم السلام و در رأس آن‌ها نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله برای اصلاح دین و دنیای مردم آمده‌اند و به واسطه تعلیم الهی از امور ضروری دنیای مردم نیز آگاه‌اند (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۱۹۰-۱۹۲).

۴. نکته پایانی، اینکه برخی از عالمان شیعه روایت مزبور را در کتاب‌هایی با موضوع طبّ اسلامی، نقل کرده‌اند (طبرسی، ۱۳۸۷: ج ۱: ۱۵۰، اعسم، ج ۱: ۲۸، قزوینی، ۱۴۲۶: ج ۱: ۱۰۱، احمدی میانجی: ۹۷) از این میان، علامه طبرسی و محمدعلی اعسم نجفی زبیدی از عالمان معاصر عراق (م ۱۲۱۲ق) اجمالاً به برخی خواص نمک نیز اشاره کرده‌اند.

۲-۴-۲. حدیث خواص انجیر

نمونه دوم احادیث طبی از سوی برخی مفسران اهل سنت در تفسیر سوره «التین» چنین گزارش شده است: «التینُ یزیلُ نکهمةَ الفمِّ و یطوّلُ الشَّعْرَ وَ هُوَ أمانٌ مِنَ الفالجِ»^۱ (فخررازی، ۱۴۲۱ق، ج ۳۲: ۹؛ ابی‌سعود، ج ۹: ۱۷۴؛ نیشابوری، ۱۴۱۶ق، ج ۶: ۵۲۴؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۵: ۳۹۴). کسانی که حدیث مذکور را در کتاب‌های خود آورده‌اند، هیچ‌گونه نقد یا ردّی را مطرح نکرده‌اند. از این رو، به نظر می‌رسد صرف نقل آن، از متن صحیحش نزد آنان حکایت می‌کند.

این روایت، تا آنجا که نگارندگان جست‌وجو کردند در هیچ یک از منابع حدیثی و تفسیری متقدم شیعه نیامده است؛ اما از میان مفسران معاصر شیعه، کسانی مانند حائری طهرانی (۱۳۳۸ق، ج ۱۲: ۱۷۵)، مستنبط غروی (۱۳۸۱ق، ج ۳۰: ۲۲۷)، صادقی

۱. انجیر بوی بد دهان را از بین می‌برد، موجب رشد مو شده و بدن را از فلج شدن در امان می‌دارد.

تهرانی (۱۴۳۲ق، ج ۳۰: ۳۵۸) آن را در تفسیر سوره «تین» نقل و به برخی از خواص انجیر اشاره کرده‌اند. جز این روایت، ظاهراً قدیمی‌ترین اشاره دربارهٔ فواید انجیر در کلام رسول خدا ﷺ آمده که با اندک اختلاف در الفاظ در مجامع حدیثی نقل شده؛ از جمله آنکه انجیر بخورید، زیرا میوه‌ای بهشتی است، بواسیر را از بین می‌برد و برای نقرس مفید است (طبرسی، ۱۴۱۲ق: ۱۷۴).

قابل ذکر است که امام رضا (علیه السلام) تولید شپش را از زیان‌های مصرف زیاد انجیر دانسته‌اند (طب الإمام الرضا، ۱۴۰۲ق: ۲۹) چیزی که در آثار قدما نیز بدان اشاره شده؛ آنان گفته‌اند از آنجا که انجیر زود به سمت طبقات خارجی بدن راه می‌یابد و معرق است، برای زندگی موجودات زنده مناسب بوده و تولید شپش می‌کند (ولایتی، ۱۳۹۰: ۸۸۸).

دربارهٔ خواص دارویی انجیر، مطالب متعددی بیان شده است که در برخی از آن‌ها می‌توان ردپای سخن امام (علیه السلام) را مشاهده کرد. از جمله آنکه گفته‌اند انجیر سینه و شش را از اخلاط پاک می‌کند و اساساً میوه‌ای پاک‌کننده است. مصرف طلالی^۱ آن با آب برای جلوگیری از ریزش مو سودمند است و خوردن آن همراه با گردو، بدن را از سم‌های کشنده در امان می‌دارد (همان: ۸۸۷).

۲-۴-۳. حدیث فضیلت خوردن عدس انسانی و مطالعات فرنگی

سومین نمونه این بخش، روایتی است که مفاد آن، بیانگر فضیلت خوردن عدس است. در منابع شیعه و سنی به نقل از امام رضا (علیه السلام) آمده است: «عَلَيْكُمْ بِالْعَدَسِ فَإِنَّهُ مُبَارَكٌ وَإِنَّهُ يَرْقُّ لَهُ الْقَلْبُ وَتَكَثُرُ لَهُ الدَّمْعَةُ وَإِنَّهُ قَدْ بَارَكَ فِيهِ سَبْعُونَ نَبِيًّا» (انصاری آندلسی، ۲۰۰۴م، ج ۱: ۱۷۶). این مضمون در آثار مختلف اهل سنت به واسطهٔ امیرالمؤمنین (علیه السلام) (دیلمی، ۱۴۰۶ق، ج ۳: ۲۹؛ قرطبی، ۱۴۲۳ق، ج ۱: ۴۲۷) و در برخی، به واسطهٔ صحابهٔ دیگر به رسول خدا ﷺ اسناد داده شده است (سلفی، ۲۰۰۴، ج ۱: ۶۸).

ابن جوزی پس از ذکر این حدیث و روایت دیگری با همین مضمون با سند دیگر، هر

۱. طلاء: دوايي رفیق که بر عضو بمالند (دهخدا، ۱۳۹۰، ج ۲: ۱۹۴۴). بنابراین در اینجا منظور، شیره انجیر رفیق شده است.

دورا موضوع دانسته، عدس را از پست‌ترین خوردنی‌ها معرفی کرده و معتقد است واضح آن، قصد وهن شریعت داشته است (۱۳۸۶ق، ج ۲: ۲۹۵). بعضی دیگر بر این باورند این حدیث با حس و مشاهده مخالف است و ظاهراً واضح آن، عدس فروشی بوده که خواسته آن‌ها را به فروش برساند (ابوشهبه، ج ۱: ۳۳۸). همچنین گفته شده متن آن مخالف قرآن است؛ زیرا عدس در قرآن، خواسته یهود معرفی و به وصف «آذنی» توصیف شده و تقدیس آن از سوی انبیا افترا به آنان است؛ به دلیل مضراتی که دارد مانند تهییج سودا، نفخ، تنگی نفس، خون فاسد و دیگر ضررهایی که از خوردن آن احساس می‌شود. به همین دلیل به نظر می‌رسد این حدیث توسط کسانی که آن را به خوردن من و سلوی ترجیح می‌دادند، وضع شده باشد (ابن قیّم جوزیه، ۱۴۰۳ق، ج ۱: ۵۱) برخی از مفسران شیعه معتقدند گرچه زمینه استعداد، از بدن که مرکب روح است فراهم می‌شود، ولی اثبات چنین تأثیری برای بدن نیازمند دلیل متقن است که اثبات آن با خبر واحد معتبر صعب است، چه رسد به روایتی که از لحاظ سند ضعیف است (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ج ۵: ۲۴۹). بعضی دیگر آورده‌اند: «در فضیلت عدس همین بس که حضرت ابراهیم (علیه السلام) از آن در ضیافت خویش بهره گرفت و آن، بدن را سبک و برای عبادت مهیا می‌کند، شهوات را تحریک نمی‌کند و به همین دلیل، رغبت انبیا به آن زیاد بود» (حائری طهرانی، ۱۳۳۸، ج ۱: ۱۸۴).

در نقد و بررسی حدیث مد نظر چند نکته را نباید از نظر دور داشت:

۱. گرچه برای عدس فواید فراوانی برشمرده‌اند، ولی حتی اگر جزو پست‌ترین خوردنی‌ها هم باشد، آنچه در دستوره‌های دینی ما تأکید شده، اکل اندک، ساده و به مقدار نیاز بدن است و این چیزی است که انبیا و اولیای الهی بدان پایبند بوده‌اند؛ بنابراین استبعادی ندارد خوردن عدس موجب رقت قلب شود؛ زیرا کناره‌گیری از ماکولات شیرین و لذت‌های بهتر دنیایی، قلب را رقیق و در نتیجه، متوجه آخرت می‌سازد و مراد از خوردن عدس به منظور رقت قلب، آن است که انسان از خواسته نفسش که خوردن غذاهای لذیذ است، چشم پوشیده و خود را به خوردن عدس ملتزم کند تا از قساوت قلب رهایی یابد.

۲. این قبیل احادیث هرگز درصدد آن نیست که خوردن این قبیل خوراکی‌ها را علت تام

رقت قلب معرفی کند، بلکه مراد آن است که اگر کسی خواست از قساوت قلب رهایی یابد، می باید نفس خود را به خوردن غذاهای ساده مانند عدس عادت دهد و این التزام یکی از چیزهایی است که زمینه را برای توجه قلبی به آخرت فراهم می کند؛ بنابراین اگر کسی این سخن را دستاویز شکم‌بارگی حتی از راه خوردن زیاد عدس قرار دهد، هرگز به مقصود خود نائل نخواهد شد، زیرا اساساً سیر خوردن با رقت قلب سازگار نیست و در روایات آمده که از ثمرات ناخوشایند پر خوری، قساوت قلب است (مستغفری، ۱۳۸۵ ق: ۲۳).

۳. این مضمون از طرق مختلف در کتاب‌های شیعه (ر.ک: برقی، ۱۳۷۱ ق، ج ۲: ۵۰۴) و اهل سنت (دیلمی، ۱۴۰۶ ق، ج ۲: ۳۶۸) وارد شده و بدیهی است که افزایش طرق ورود یک مضمون، ظنّ انسان را به صدور آن از معصوم (علیه السلام) افزایش می دهد.

۴. باید توجه داشت که آنچه از قول برخی نویسندگان اهل سنت درباره زیان‌های عدس نقل شد، گرچه صحیح است، ولی این ضررها به خصوص غلظت خون زمانی بروز پیدا می کند که انسان آن را زیاد و خارج از حد اعتدال مصرف کند.

۵. گرچه ممکن است سند برخی از احادیث مذکور ضعیف باشد، ولی این مضمون با سند قوی نیز از امام علی (علیه السلام) نقل شده است (مجلسی، ۱۴۰۶ ق، ج ۷: ۶۰۱).

در برخی کتاب‌های اهل سنت هم آمده است که عدس از جمله غذاهایی است که خوردن آن همراه با عسل، شهوت را کم (ر.ک: شوری، ج ۱: ۸۸؛ ابن بیطار، ج ۱: ۳۸۱) و هوش و حافظه را زیاد می کند (ابن دقاق مقرئ، ج ۱: ۵۱).

احادیث طبّی متعدد دیگری نیز مورد نقد و ردّ غالب حدیث پژوهان اهل سنت قرار گرفته است (ر.ک: ابن جوزی، ۱۳۸۶ ق، ج ۳: ۲۳؛ ابن عدی، ۱۴۱۸ ق، ج ۳: ۲۰۲؛ عجلونی، ۱۳۵۱ ق، ج ۱: ۳۰۰؛ ابن حجر عسقلانی، ۱۴۰۴ ق، ج ۷: ۳۳۹).

۲-۵. جایگاه روایات امام رضا (علیه السلام) با موضوع فضایل و سیره معصومان (علیهم السلام)

روایات امام رضا (علیه السلام) در موضوع مورد بحث در منابع مختلف اهل سنت از فراوانی بیشتری

برخوردار است. دلیل این امر را باید در ویژگی‌های عصر آن حضرت و اقدامات ایشان در ترویج امامت جست‌وجو کرد؛ زیرا امام (علیه السلام) با قبول ولایت عهدی، دست به حرکتی بی‌نظیر زد و آن، برملا کردن داعیه امامت شیعی در سطح عظیم اسلام، دریدن پرده غلیظ تقیه و رساندن پیام تشیع به گوش همه مسلمان‌ها بود و این امر به شیعیان خراسان، جرئت‌بخشید که در دوران گذشته بی‌سابقه بود (طباطبایی، ۱۳۸۸: ۲۸۲-۲۸۳). از این‌رو، امام (علیه السلام) در کتاب‌های مختلف حدیثی و تاریخی اهل سنت، راوی احادیث متعددی در فضایل معصومین (علیهم السلام) (طبری، ۱۴۱۸ق، ج ۱: ۲۴۶، ۲۵۵؛ ابن عدیم، ج ۶: ۲۵۷۸) و سیره آنان مانند امام حسین (علیه السلام) (سلفی، ج ۱: ۳۲۳) امام سجاد (علیه السلام) (ابن عساکر، ۱۴۱۵ق، ج ۴۱: ۳۹۸؛ ذهبی، ۱۴۲۷ق، ج ۴: ۳۹۴) امام پنجم (علیه السلام) (ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ج ۸: ۳۱۱) و فضایل رسول خدا (صلی الله علیه و آله) (ابن نجار، ۱۴۱۷ق، ج ۴: ۱۳۸) است. فضایل شیعیان نیز در مواردی در بیانات امام (علیه السلام) آمده است (ر.ک: ابن حجر عسقلانی، ۱۳۹۰ق، ج ۲: ۲۸۱).

برخی از این احادیث در سلسله روایات صادر شده در باب امامت، از شهرت و اهمیت بالایی برخوردار است (ر.ک: ابن عساکر، ۱۴۱۵ق، ج ۲: ۱۸۷، ۲۱۲؛ سیوطی، ج ۱: ۳۰۷؛ ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ج ۸: ۳۱۲). با این اوصاف، بسیاری از حدیث‌پژوهان اهل سنت، نگاه مثبتی به این روایات ندارند و متن بخشی از آن‌ها را عجیب دانسته (ر.ک: مقدسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱: ۲۵۹؛ ابن حبان، ۱۳۹۶ق، ج ۲: ۱۰۶) یا از اساس به موضوع بودن آن‌ها حکم کرده‌اند (ابن حجر عسقلانی، ۱۳۹۰ق، ج ۱: ۳۱۷؛ ر.ک: نوری، ج ۵: ۴۱۲؛ ذهبی، ۱۳۸۲ق، ج ۱: ۳۰۸؛ همذانی جورقانی، ۱۴۲۲ق، ج ۱: ۳۷۶). اکنون نمونه‌هایی از هر دو رویکرد به این روایات را به‌جمال بررسی می‌کنیم.

۲-۵-۱. حدیث خلقت گل سرخ از عرق پیامبر (صلی الله علیه و آله)

نخستین نمونه از احادیث این بخش، روایتی است که آفرینش گل سرخ را مرتبط با فضایل رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) دانسته و در منابع اهل سنت چنین بیان شده است: «هنگامی که پیامبر (صلی الله علیه و آله) به معراج برده شد، از قطرات عرق حضرت بر زمین چکید و گل سرخ از

آن روید. «لَمَّا أُسْرِيَ بِي إِلَى السَّمَاءِ، سَقَطَ مِنِّي عَرْقِي إِلَى الْأَرْضِ فَتَبَّتْ مِنِّي الْوُزْدُ»^۱ (مقدسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱: ۲۵۹). این حدیث را امام کاظم (علیه السلام)، انس بن مالک و جابر بن عبدالله انصاری نیز از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نقل کرده اند (دیلمی، ۱۴۰۶ق، ج ۳: ۴۳۰؛ ۵۹۴؛ سلفی، ج ۱: ۴۱؛ ابن حجر عسقلانی، ۱۳۹۰ق، ج ۵: ۵۴؛ ذهبی، ۱۴۲۷ق، ج ۸: ۱۱۸) در برخی از این نقل‌ها آمده است که آن حضرت در ادامه فرمود: «هرکس خواست بوی مرا استشمام کند، گل سرخ را ببوید.»

برخی آن را «کذب بین» و «حدیث انکر» (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۰۴ق، ج ۷: ۳۳۹؛ ذهبی، ۱۳۸۲ق، ج ۳: ۶۷۶) خوانده و عده‌ای به موضوع بودن آن تصریح کرده اند (سیوطی، ۱۴۱۷ق، ج ۲: ۲۳۳؛ قاقجی، ۱۳۳۱ق، ج ۱: ۲۱۵؛ ابن حجر عسقلانی، ۱۳۹۰ق، ج ۲: ۲۱۹، ۲۱۹). گروهی دیگر معتقدند همه طرق آن نادرست است (غزّی عامری، ۱۴۱۲ق، ج ۱: ۶۸). مقدسی پس از نقل آن می‌نویسد: علی بن موسی الرضا آن را از آبا خود نقل کرده و او مطالب عجیبی را از آنان روایت نموده، گویا (نعوذ بالله) در اینکه راویان ضعیف از او نقل کنند، عمداً یا سهواً خطا کرده و خدا دانایانتر است! (مقدسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱: ۲۵۹) برخی دیگر که آن را متناً و سنداً باطل دانسته‌اند، به سند مذکور از امام رضا (علیه السلام) اشاره نکرده اند (عجلونی، ۱۳۵۱ق، ج ۱: ۲۵۹). از پژوهشگران شیعی این عرصه نیز در اثبات بطلان این حدیث بدون نقل آن از منابع خاصه، به نظر کسانی مانند عجلونی اکتفا کرده اند (بستانی، ۱۳۸۶: ۱۴۲).

حدیث مذکور در برخی منابع شیعه به دو گونه نقل شده (ابن بابویه، ۱۳۸۵ق، ج ۲: ۶۰۱) و علامه مجلسی هر دو نقل را در بحار الانوار آورده (۱۴۰۳ق، ج ۷۳: ۱۴۷) طبرسی آن را در سندی مرفوع از کتاب طب الاثمه^۲ از طریق حسن بن منذر نقل کرده است (۱۴۱۲ق: ۴۴). همچنین آیت‌الله بروجردی در «جامع احادیث شیعه»، از غنی‌ترین منابع حدیثی

۱. وقتی مرا به آسمان بردند یک قطره از عرقم به زمین چکید و از آن، گل سرخ روید.
 ۲. عجلونی از جمله حدیث پژوهانی است که نه تنها به بطلان برخی از احادیث باب های روایی اکتفا نکرده، بلکه ابواب مختلف روایی را از اساس غیر صحیح و موضوع معرفی می کند (ر.ک: عجلونی جراحی، ۱۳۵۱ق، ج ۲: ۴۱۹-۴۲۰).
 ۳. این کتاب از تألیفات «حسین بن بسطام بن سابور زیات» از بزرگان علما و محدثین امامیه و از راویان جلیل القدر اخبار آنان است.

در عصر حاضر، بابی را به‌عنوان «انّ الورد نبت من عرق رسول الله ﷺ» اختصاص داده و از جمله، روایت مزبور را نقل کرده است (بروردی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۶: ۶۶۲). همچنین قاضی سعیدقمی از حکما و عرفای بزرگ شیعه، آن را در رساله خود با عنوان «الحدیقة الوردیة فی السوانح المراجیه» نقل کرده، وی در این اثر موضوع معراج را مورد تأویل فلسفی و عرفانی قرار داده است (صدراپی خویی، ۱۳۸۴، ج ۱: ۱۴۶).

در بررسی این روایت بیان چند نکته ضروری به نظر می‌رسد:

۱. سخن مذکور از طرق مختلف نقل شده است و این امر در بررسی اعتبار یک حدیث نباید نادیده گرفته شود.

۲. قواعد صحیح حدیث‌شناسی ایجاب می‌کند مادامی که بتوان معنای معقول و صحیحی برای حدیث تصور کرد، نباید آن را مطروح دانست.

۳. در کتاب‌های سیره انبیا (علیهم السلام) آمده است که عرق بدن پیامبر ﷺ معطر بود. از انس بن مالک نقل شده که هیچ مشک و عطری خوشبوتر از عرق بدن پیامبر ﷺ استشمام نکردم (بیهقی، ۱۴۱۰ق، ج ۲: ۱۵۲). برخی نقل کرده‌اند امّ سلمه قطرات عرق آن حضرت را در شیشه‌ای جمع‌آوری می‌کرد (بخاری، ۱۴۲۲ق، ج ۷: ۶۳). علامه مجلسی نیز آورده که هرگاه پیامبر ﷺ در خواب قیلوله عرق می‌کرد، حضرت فاطمه (علیها السلام) عرق او را می‌گرفت و در شیشه‌ای می‌کرد. این عرق بوی خوشی داشت که از آن متصاعد می‌شد (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۳: ۱۱۴). همچنین گفته شده هرکس که در پی آن حضرت حرکت می‌کرد، به خاطر عطری که از عرق ایشان استشمام می‌شد، می‌فهمید که پیامبر ﷺ از اینجا گذشته است (طبرسی، ۱۴۱۲ق، ج ۲۴: ۲۴؛ دارمی، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۴۵).

۴. در جایی که به فرموده امام علی (علیه السلام) خداوند در برابر هر قطره آب وضوی انسان مؤمنی که وضو را کامل و با اذکار وارد شده بگیرد، برای او فرشته‌ای می‌آفریند که تقدیس و تسبیح و تکبیر گوید و ثواب آن را تا قیامت برای او می‌نویسد (برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۱: ۱۱۶، ج ۱۱۸؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳: ۷۰). خلقت گل سرخ از عرق پیامبر خدا ﷺ امر بعیدی

نیست. چه بسا مفاد این روایت با ادبیات کنایی و غیر مستقیم، در مقام بیان این نکته باشد که وجود مقدس پیامبر اسلام ﷺ، واسطه فیض الهی در آفرینش موجودات و روند تکاملی و حرکت آنان است.

۵. آنچه گفته شد به معنای قبول روایت مذکور نیست، بلکه نگارنده درصدد بیان این مطلب است که تنها به سبب عجیب بودن متن روایت، نمی توان آن را موضوع تلقی کرد، بلکه می باید پس از بررسی تمام جنبه های متنی و سندی، در باب اعتبار آن قضاوت کرد.

۶. حساسیت این قبیل از روایات از آن روست که چه بسا بر پایه رد آن ها، ویژگی های خاص رسول خدا ﷺ مورد انکار قرار بگیرد؛ به گونه ای که موجب شود ایشان را در حالات و قوای طبیعی و عوارض و احکام آن ها با دیگران مشترک بدانیم؛ سخنی که برخی بدان قائل شده اند. به عنوان مثال این گونه آورده اند که پیامبر خدا در ادراکات حواس ظاهری مانند همه افراد بشر بود و این غلط است که گفته شود پیامبر با چشم سر، پشت دیوار را می دید یا بشره تن مبارکش از آتش نمی آزد، یا چیزی تلخ به دهان مبارکش شیرین می نمود (موسوی بهبهانی، ۱۳۷۲: ۱۳). بدیهی است ممکن است این قبیل افکار به اعتقاد نادرست سهو النبی ﷺ بینجامد؛ عقیده ای که هرگز بر دلایل و مبانی متقنی استوار نیست.

۲-۵-۲. حدیث پنج خصلت امیرالمؤمنین (علیه السلام) به دعای پیامبر ﷺ

سومین حدیث این قسمت نیز بیانگر ویژگی های حضرت علی (علیه السلام) است. البته در شمار اندکی از منابع اهل سنت نقل شده است و ناقلان، هیچ گونه نقد متنی یا سندی را متوجه آن نساخته اند؛ «أحمد بن عامر بن سلیم الطائفی حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرِّضَا... : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَا عَلِيُّ إِنِّي سَأَلْتُ رَبِّي فِيكَ خَمْسَ خِصَالٍ فَأَعْطَانِي، أَمَّا الْأُولَى فَسَأَلْتُ رَبِّي أَنْ تَنْشُقَ عَنِّي الْأَرْضَ وَأَنْفُضَ التُّرَابَ عَن رَأْسِي وَأَنْتَ مَعِي، وَأَمَّا الثَّانِيَةُ فَسَأَلْتُ رَبِّي أَنْ يُوقِفَنِي عِنْدَ كِفَّةِ الْمِيزَانِ وَأَنْتَ مَعِي فَأَعْطَانِي وَأَمَّا الثَّلَاثَةُ فَسَأَلْتُ رَبِّي أَنْ يَجْعَلَكَ حَامِلَ لِقَائِي وَهُوَ لِقَاءُ اللَّهِ الْأَكْبَرِ عَلَيْهِ الْمُفْلِحُونَ وَالْفَائِزُونَ بِالْجَنَّةِ فَأَعْطَانِي، وَ

هُوَ لَوْاءُ اللَّهِ الْأَكْبَرِ مَنْ بِهِ عَلِيٌّ»^۱ (متقی، ۱۴۰۱ق، ج ۱۳: ۱۵۲؛ سیوطی، ۱۴۱۴ق، ج ۳۱: ۱۵۸؛ اخطب خوارزم، ۱۴۰۱ق، ج ۱: ۲۹۴؛ حموئی جوینی، ۱۳۹۸ق، ج ۱: ۱۰۶). از شیعه، صاحبان کتب روایی متعددی آن را نقل کرده‌اند. قدیمی‌ترین منبع، مسند زید بن علی (علیه السلام) است که آن را از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) روایت کرده (۱۹۶۶م: ۴۵۴)، پس از آن، در صحیفه الإمام الرضا (علیه السلام) (صحیفه الرضا، ۱۴۰۶ق: ۴۸) نقل شده است. دیگر منابع نیز آن را به نقل از آن حضرت آورده‌اند (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۱: ۳۱۴، ۱۳۷۸ق، ج ۱: ۲۷۸؛ دیلمی، ۱۴۲۷ق: ۱۲۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۰: ۷۱؛ رحمانی همدانی، ۱۴۱۷ق: ۱۱۷).

افزون بر موارد ذکر شده در این مقاله، در دیگر منابع اهل سنت مانند کتاب‌های سیره، مناقب و تاریخ نیز از امام (علیه السلام)، احادیث متعددی در فضایل معصومان (علیهم السلام) نقل شده است (ر.ک: طبری، ۱۳۵۶ق، ج ۱: ۲۶، ۳۲، ۳۹، و...، زمخشری، ۱۴۲۷ق، ج ۱: ۳۶۰؛ باعونی شافعی، ۱۴۱۵ق، ج ۱: ۱۰۰، ۲۳۲، ۲۵۷؛ دیار بگری، ۱۴۲۴ق، ج ۱: ۴۱۸).

۲-۶. جایگاه روایات اخلاقی امام رضا (علیه السلام)

اخلاق و انسانیت امام رضا (علیه السلام)، تجلی روح نبوت و مصداق رسالتی بود که خود آن حضرت از نگهبانان و وارثان آن به شمار می‌رفت (در این زمینه ر.ک: فضل الله، ۱۳۸۵: ۵۲-۷۰). از این رو، احادیث مختلفی در این زمینه از ایشان صادر شده که برخی از آن‌ها در کتاب‌های اهل سنت نیز نقل شده است. رویکرد غالب آنان به روایات اخلاقی امام (علیه السلام) مثبت است، گرچه در موارد اندک رویکرد انتقادی نیز به چشم می‌خورد.

۱. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به علی (علیه السلام) فرمود: یا علی از پروردگار خود درباره تو پنج چیز درخواست کردم و به من عطا فرمود: نخستین درخواستم این بود اولین کسی که از شکاف زمین بیرون شود و خاک از سر خود بپوشاند من باشم و تو نیز با من باشی. خداوند این خواسته را به من عطا فرمود. دومین خواسته‌ام این بود به من اذن دهد تا در کنار کعبه ترازوی اعمال بایستم و تو نیز با من باشی، این درخواستم را نیز به من عطا فرمود. سومین این بود که تو را در روز رستاخیز پرچمدار من قرار دهد و آن را نیز به من عطا فرمود. چهارمین درخواستم از پروردگارم این بود که امت مرا با دست تو از حوضم سیراب فرماید و درخواستم را به من عطا فرمود. پنجمین درخواستم از پروردگارم این بود که تو را پیشرو قافله امتم به بهشت قرار دهد و درخواستم را به من عطا فرمود: سپاس خدای را که با پذیرش این درخواست‌ها بر من منت نهاد.

۲-۶-۱. حدیث قرابت و محبت

قَبِيصَةَ بَنِ آدَمَ يَقُولُ: سَمِعْتُ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى الرُّضَا (عَلَيْهِ السَّلَامُ) يَقُولُ: سَمِعْتُ أَبِي، يَقُولُ: سَمِعْتُ جَعْفَرَ الصَّادِقَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) يَقُولُ: مَوْدَّةٌ يَوْمَ قَرَابَةِ وَمَوْدَّةٌ شَهْرٌ صَلَةٌ وَمَوْدَّةٌ سَنَةٌ رَحِمَ مَآسَّةٌ مَنْ قَطَعَهَا قَطَعَهُ اللَّهُ: دوستی یک روزه، پیوند با دیگران است. دوستی یک ماهه، باعث قرابت و نزدیکی و دوستی یک ساله، پیوندی محکم است، هرکه رشته دوستی را ببرد، خدا (به کیفر کارش) از او خواهد برید» (سلفی، ۲۰۰۴، ج ۱: ۱۹).

علامه بدرالدین محمد غزی، از عالمان شافعی مذهب قرن دهم نیز در «آداب العشرة و ذکر الصحبة و الاخوة» آن را نقل کرده است (۱۳۸۸ق: ۶۲).

ظاهراً قدیمی ترین منبع روایی شیعی ناقل این حدیث، «التشريف بالمنن في التعريف بالفتن» است که با هفت واسطه آن را آورده است (ابن طاووس، ۱۴۱۶ق: ۳۹۱).

نکته مهم اینکه روایت مذکور بر خلاف کتاب «ابوطاهر سلفی» در این منبع بدون سند آمده است و چون وی متوفای ۵۷۶ قمری و سید بن طاووس متوفای ۶۶۴ قمری است؛ بنابراین تعدادی از روایات امام (عَلَيْهِ السَّلَامُ) پیش از آنکه در منابع شیعه آمده باشد، در کتاب‌های اهل سنت نقل شده است. گرچه نمی‌توان به‌طور قطع بر صحت این مطلب گواهی داد؛ زیرا بسیاری از کتاب‌های شیعیان در طول تاریخ از بین رفته است.

نکته بعدی اینکه این سخن در کتاب سید بن طاووس از امام صادق (عَلَيْهِ السَّلَامُ) و در کتاب ابوطاهر سلفی از امام رضا (عَلَيْهِ السَّلَامُ) به نقل از رسول خدا (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) آمده است و برخی دیگر از اهل سنت نیز آن را از امام صادق (عَلَيْهِ السَّلَامُ) نقل کرده‌اند (سلمی، ۱۴۱۰ق، ج ۱: ۱۰۸) این گونه نقل‌ها نمایانگر یک حقیقت است و آن اینکه متون حدیثی از منشأ واحد برخوردارند، زیرا اهل بیت (عَلَيْهِمُ السَّلَامُ) کلام خود را نقل تام و بیان صدق اقوال و افعال نبی مکرم اسلام (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) دانسته و بر این امر تأکید کرده‌اند (ر.ک: کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۵۸؛ کشی، ۱۴۰۹ق: ۲۲۴).

برخی دیگر از عالمان شیعه نیز نقل مزبور را در تألیفات خویش آورده‌اند (ر.ک: میرداماد، ۱۳۹۷ق، ج ۸: ۱۱۰، شوشتری، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲: ۲۶۴). از این میان، آیت‌الله بهاری همدانی

از عرفای شیعه در بحث از «آداب رفاقت» با استناد به آیات «مَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا» (مائده، ۳۲)، «قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا» (تحریم، ۶) و این حدیث نورانی، نتیجه گرفته است دوستی با فاسق ابتدائاً خوب نیست، اما ادامه آن با انگیزه اصلاح و نجات وی پسندیده بوده و اجر فراوان دارد؛ زیرا از روایت استفاده می‌شود کسی که با انسان قرابت زیاد پیدا کرده، لُحْمه او مثل لُحْمه نسب گردیده است (شیروانی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۱۶۴).

۲-۶-۲. مهم‌ترین سبب ورود به بهشت و جهنم

در یکی از احادیث اخلاقی امام (علیه السلام) که عبدالله بن عامر از آن حضرت نقل کرده، آمده است: «سُئِلَ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ مَا أَكْثَرُ مَا يُدْخِلُ الْجَنَّةَ قَالَ تَقْوَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَحَسَنُ الْخُلُقِ وَ سُئِلَ عَنْ أَكْثَرِ مَا يُدْخِلُ النَّارَ قَالَ الْأَجُوفَانِ الْبُطْنُ وَ الْفَرْجُ» (سیوطی، ۱۴۱۴ ق، ج ۳۰: ۳۹۶؛ متقی، ۱۴۰۱ ق ج ۳: ۱۲۳۵). این سخن را ابوهریره نیز از پیامبر ﷺ نقل کرده (ابن ماجه، ۱۳۷۲ ق، ج ۲: ۱۴۱۸؛ بخاری، ۱۴۰۹ ق: ۷) ترمذی آن را صحیح غریب دانسته (متقی، ۱۴۰۱ ق، ج ۳: ۱۲۳۵) و حاکم نیشابوری صحیحش شمرده است (صنعانی، ۱۳۷۹ ق، ج ۲: ۶۹۶).

بسیاری از عالمان شیعی هم آن را نقل کرده‌اند (ر.ک: ابن بابویه، ۱۳۷۸ ق، ج ۲: ۳۸؛ مفید، ۱۴۱۴ ق، ج ۱۲: ۲۲۸). برخی بخش اول آن را در باب «حسن الخلق» آورده (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۶۸: ۳۸۷) و عده‌ای ذیل حدیث را در باب «العفة» (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۲: ۷۹) یا «آداب الأكل» گنجانده‌اند (طبرسی، ۱۴۱۲ ق: ۱۵۰).

از این میان، صالح مازندرانی درباره بخش دوم حدیث به تفصیل سخن گفته و نکات مهمی را مطرح کرده است (مازندرانی، ۱۳۸۲ ق، ج ۸: ۲۴۰-۲۴۱).

۳-۶-۲. عاقبت خوار کردن انسان مؤمن

اسفراینی (۱۴۷۱ ق) از مفسران اهل سنت در تفسیر آیه «زُيِّنَ لِلذِّينِ كَفَرُوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا

وَيَسْخَرُونَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ اتَّقَوْا فَوْقَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (بقره، ۲۱۲) روایتی نبوی را از امام (علیه السلام) نقل کرده است: «مَنْ اسْتَدَلَّ مُؤْمِنًا أَوْ مُؤْمِنَةً أَوْ حَقَّرَهُ لِفَقْرِهِ وَقَلَّةِ دَاتِ يَدِهِ شَهْرَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ثُمَّ يَفْضَحُهَا» (اسفرائینی، ۱۳۷۵، ج ۱: ۲۲۶).

اصل این روایت در بعضی دیگر از تفاسیر عامه، به واسطه امام علی (علیه السلام) (زحیلی، ۱۴۱۸ ق، ج ۲: ۲۵۴؛ قرطبی، ۱۴۲۳ ق، ج ۳: ۲۹؛ ابن ابی حاتم ۱۴۱۹ ق، ج ۱۱: ۱۲۵) و در بعضی دیگر به واسطه امام سجاد (علیه السلام) آمده است (ثعلبی، ۱۴۲۲ ق، ج ۲: ۱۳۱). این حدیث در کتاب‌های حدیثی شیعه (برقی، ۱۳۷۱ ق، ج ۱: ۹۷؛ کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۲: ۳۵۳؛ ابن بابویه، ۱۳۷۸ ق، ج ۲: ۳۳) نیز نقل شده و سند آن از نظر علامه مجلسی «حسن کالصحیح» است (۱۴۰۴ ق، ج ۱۰: ۳۹۷). همچنین در کتاب «الصدق» توضیحات مفیدی در شرح این روایت نورانی آورده شده است (حیدری، ۱۴۲۸ ق: ۵۹).

با این اوصاف، روایت مذکور از سوی بعضی حدیث‌پژوهان عامه به دلیل آنکه راوی آن «داوود بن سلیمان غازی» است، جزو احادیثی شمرده شده که می‌باید شریعت را از آن‌ها منزّه دانست! (ابن عراق، ۱۳۹۹ ق، ج ۲: ۳۱۶).

از امام (علیه السلام) احادیث اخلاقی متعددی در کتاب‌های اهل سنت به چشم می‌خورد (ر.ک: فرحان العطار، ج ۱: ۲۶۴؛ قضاعی، ۱۴۰۷ ق، ج ۱: ۳۲۲؛ ج ۳: ۱۹۱-۱۹۲؛ ابن شاهین، ۱۴۲۴ ق، ج ۱: ۹۰؛ ر.ک: عطائی، ۱۳۸۸: ۲۰۸-۲۲۰). به نظر می‌رسد به دلیل اهمیت خاص اخلاق، بررسی جایگاه روایات اخلاقی امام رضا (علیه السلام) در منابع اهل سنت، خود نیازمند پژوهشی مستقل است.

نکته پایانی اینکه گرچه از امام رضا (علیه السلام) روایات فقهی فراوانی صادر شده، ولی در کتاب‌های مختلف اهل سنت، تعداد بسیار محدودی از این احادیث به چشم می‌خورد (ر.ک: دار قطنی، ۱۳۸۶ ق، ج ۲: ۱۴۰). همچنین متن نامه امام (علیه السلام) به مأمون در پاسخ به نامه وی برای ولایت‌عهدی ایشان و برخی اشعار و ادعیه آن حضرت در بعضی از

۱. هر که مرد یا زن مؤمنی را خوار شمارد یا به خاطر فقر و کمی امکاناتش او را حقیر کند، خداوند تعالی او را در روز قیامت مشهور کرده و سپس رسوایش کند.

کتاب‌های تاریخی و رجالی عامه آمده است (ر.ک: مزّی، ۱۴۰۰ ق، ج ۲۱: ۱۵۲؛ ابن نجّار، ۱۴۱۷ ق، ج ۴: ۱۳۹).

۳. نتیجه‌گیری

بنا بر آنچه گذشت، می‌توان نتیجه گرفت:

۱. امام رضا (علیه السلام) در نگاه اهل سنت از جایگاه علمی و معنوی بالایی برخوردار است. بر این اساس در منابع مختلف مانند کتاب‌های حدیث، رجال، مناقب، تفسیر به نقل از آن حضرت روایاتی را ذکر کرده‌اند.
۲. هر چند در بیشتر موارد پس از گزارش حدیث، سند و محتوای آن ارزیابی شده؛ اما گاه عالمان اهل سنت بدون ارزیابی تنها به نقل روایت از آن حضرت اکتفا کرده‌اند. نبود اظهار نظر را می‌توان به معنای صحت مفاد حدیث از نظر ایشان دانست.
۳. در پاره‌ای موارد، عملکرد اهل سنت در مواجهه با روایات امام رضا (علیه السلام) از دیدگاه کلامی و آرای مذهبی ایشان متأثر است. مانند استناد روایات عدم تکلیف مالایطاق به امام رضا (علیه السلام) بدون انتساب آن به رسول اکرم (صلی الله علیه و آله).
۴. گاه عالمان اهل سنت به صورت کلی، برخی از احادیث منسوب به امام رضا (علیه السلام) را رد و آن را از جمله موضوعات دانسته‌اند. داوری کلی مجموعه‌ای از احادیث بدون جداسازی و تأمل در سند و متن آن‌ها به صورت جداگانه از ارزش پژوهشی آرا می‌کاهد.
۵. تعابیر کلی و مجمل هنگام نقد حدیث مانند تعبیر «عجیب» نیز اعتبار ارزیابی‌های صورت گرفته را زیر سؤال می‌برد.

منابع و مأخذ

- ابن ابی حاتم، عبدالرحمن. (۱۴۱۹ق). تفسیر القرآن العظیم. محقق: أسعد محمد الطیب. چاپ سوم. عربستان: مکتبہ نزار مصطفی الباز.
- ابن بابویہ، محمد بن علی. (۱۳۹۸ق). التوحید. قم: جامعہ مدرسین.
- _____ (۱۳۸۵ق). علل الشرائع. قم: کتابفروشی داوری.
- _____ (۱۳۷۸ق). عیون اخبار الرضا علیہ السلام. تهران: نشر جهان.
- ابن بیطار، عبداللہ. (بی تا). الجامع لمفردات الأدوية والأغذية. بی جا: موقع الوراق.
- ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی. (۱۳۸۶ق). الموضوعات. تحقیق: عبدالرحمن محمد عثمان. محمد عبد المحسن.
- _____ (۱۴۰۶ق). الضعفاء والمتروکون. تحقیق: عبداللہ قاضی. بیروت: دار الکتب العلمیة.
- _____ (۱۴۰۱ق). العلل المتناهیة فی الأحادیث الواہیة. تحقیق: إرشاد الحق اثری. پاکستان: إدارة العلوم الأثریة.
- ابن ملقن، عمر بن علی. (۱۴۰۸ق). تفسیر غریب القرآن. بی جا: عالم الکتب.
- برقی، احمد بن محمد. (۱۳۷۱ق). المحاسن. محقق: جلال الدین محدث. چاپ دوم. قم: دار الکتب الإسلامیة.
- ابن حبان، محمد. (۱۳۹۶ق). المجروحین من المحدثین والضعفاء والمتروکین. تحقیق: محمود إبراهيم زاید. حلب: دار الوعی.
- _____ (۱۳۹۳ق). الثقات. هند - حیدرآباد: دائرہ المعارف العثمانیة.
- ابن حجر عسقلانی، أحمد بن علی. (۱۳۹۰ق). لسان المیزان. بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
- _____ (بی تا) (۱۴۰۴ق). تهذیب التهذیب. بیروت: دار الفکر.
- ابن دقاق مقرئ، محمد بن ابی بکر. (بی تا). الحکم والغایات فی تعبیر المنامات. بی جا.
- ابن شاهین، عمر بن احمد. (۱۴۲۴ق). الترغیب فی فضائل الأعمال وثواب ذلك. بیروت: دار الکتب العلمیة. بی نا.
- ابن طائوس، علی بن موسی. (۱۴۱۶ق). التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن. قم: مؤسسة صاحب الامر.
- ابن عدی، عبداللہ بن عدی. (۱۴۱۸ق). الكامل فی ضعفاء الرجال. بیروت: الکتب العلمیة.
- ابن عدیم، عمر بن أحمد. (بی تا). بغیة الطلب فی تاریخ حلب. تحقیق: زکار، سهیل. بیروت: دار الفکر.
- ابن عراق، علی بن محمد. (۱۳۹۹ق). تنزیه الشریعة المرفوعة عن الأخبار الشنیعة الموضوعة. بیروت: دار الکتب العلمیة.
- ابن عساکر، علی بن حسن. (۱۴۱۵ق). تاریخ دمشق. محقق: عمرو بن غرامة عمروی. بیروت: دار الفکر.
- ابن قیّم جوزیة، محمد. (۱۴۰۳ق). المنار المنیفة. حلب: مکتب المطبوعات الإسلامیة.
- ابن کثیر، إسماعیل بن عمر. (۱۴۰۸ق). النهاية. محقق: محمد أحمد عبد العزیز. بیروت: دار الجیل.
- ابن ماجه، محمد بن یزید. (۱۳۷۲ق). سنن. تحقیق: محمد فؤاد عبد الباقي. بیروت: دار الفکر.
- ابن ماکولا، سعد الملك. (۱۴۱۱ق). الإكمال فی رفع الاریاب. بیروت: دار الکتب العلمیة.
- ابن نجار، محمد بن محمود. (۱۴۱۷ق). ذیل تاریخ بغداد. تحقیق: عبد القادری حی مصطفی. بیروت: دار الکتب العلمیة.
- ابن نقطه، محمد. (۱۴۱۰ق). إكمال الإكمال. محقق: عبد ریب النبی، د. عبد القیوم. مکه: جامعة أم القرى.
- أبو السعود، محمد بن محمد. (بی تا). إرشاد العقل السلیم. بیروت: دار إحياء التراث العربی.

- أبو شهبه، محمد بن محمد. (بی تا). *الوسیط فی علوم ومصطلح الحدیث*. بیروت: دار الفکر العربی.
- اخطب خوارزم، موفق بن احمد. (۱۴۰۱ق). *المناقب*. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- احمدی میانجی، علی (بی تا). *کتاب الاثریة*. قم: دفتر معظم له.
- اسفرائینی، شهنور بن طاهر. (۱۳۷۵). *تاج التراجم*. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- اعسم، محمد علی بن حسین، اعسم، عبد الرزاق. (بی تا). *الأطعمة والأثریة آدابها فوائدها*. بی جا.
- انصاری آندلسی، خلف بن عبد الملک. (۲۰۰۴م). *الآثار المرویة فی الأطعمة السریة*. تحقیق: محمد یاسر شعیری. ریاض: أضواء السلف.
- انصاری، عبدالله بن محمد. (۱۴۱۹ق). *دم الکلام واهله*. مکتبه الغرباء.
- آجری، محمد بن حسین. (۱۴۲۰ق). *الشریعة*. تحقیق: عبدالله بن عمر دمیحی. ریاض: دار الوطن.
- آلوسی، محمود بن عبدالله. (۱۴۱۵ق). *روح المعانی*. بیروت: دار الکتب العلمیة.
- باعونی شافعی، محمد بن احمد. (۱۴۱۵ق). *جواهر المطالب فی مناقب الامام علی بن ابی طالب (علیه السلام)*. تحقیق: محمدباقر محمودی. مجمع احیاء الثقافة الاسلامیة.
- بخاری، محمد بن اسماعیل. (۱۴۰۹ق). *الأدب المفرد*. تحقیق: محمد فؤاد عبدالباقی. بیروت: دار البشائر الإسلامیة.
- _____ . (۱۴۲۲ق). *صحیح البخاری*. تحقیق: محمد زهیر بن ناصر. دار طوق النجاة.
- بروجردی، حسین. (۱۴۲۲ق). *جامع احادیث الشیعة*. قم: نشر الصحف.
- بستانی، قاسم. (۱۳۸۶). *معیارهای شناخت احادیث ساختگی*. اهواز: نشر رسش.
- بغدادی، حسن بن محمد. (۲۰۰۴م). *مجلسان من أمالی الخلال*. مخطوط نُشر فی برنامج جوامع الکلم.
- بنداری، عبدالغفار سلیمان؛ کسروی، سید حسن. (۱۴۱۳ق). *معجم رجال الکتب الشیعة*. بیروت: دار الکتب العلمیة.
- بهبودی، محمدباقر. (۱۳۶۲). *معرفة الحدیث*. تهران: شرکت انتشارات علمی.
- بیهقی، احمد بن حسین. (۱۴۱۰ق). *شعب الإيمان*. تحقیق: بسیونی زغلول، محمد سعید. بیروت: دار الکتب العلمیة.
- تنوخی، محسن بن علی. (۱۳۹۸ق). *الفرج بعد الشدة*. تحقیق: عبود شالچی. بیروت: دار صادر.
- ثعلبی، احمد بن ابراهیم. (۱۴۲۲ق). *الکشف والبیان عن تفسیر القرآن*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- جمعی از مؤلفان. (بی تا). *التبویب الموضوعی لاحادیث*. بی جا.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۷). *تسنیم*. چاپ پنجم. قم: نشر اسراء.
- _____ . (۱۳۸۸). *وحی ونبوت*. قم: نشر اسراء.
- حائری طهرانی، علی. (۱۳۳۸). *مقتنیات الدرر*. تهران: دار الکتب الإسلامیة.
- حبشی، عبدالله محمد. (بی تا). *مصادر الفکر الإسلامی فی الیمن*. ابوظبی: مجمع الثقافی.
- حصنی دمشقی، ابوبکر. (۱۴۱۸ق). *دفع الشبه عن الرسول*. قاهرة: دار احیاء الکتب العربی.
- حموی جوینی، ابراهیم بن محمد. (۱۴۲۵ق). *فرائد السمطین*. بیروت: مؤسسه المحمودی.
- حیدری، کمال. (۱۴۲۸ق). *الصدق*. بغداد: مؤسسه الإمام الجواد (علیه السلام) للفکر و الثقافة.
- خطیب بغدادی، احمد بن علی. (۱۴۲۲ق). *تاریخ بغداد*. بیروت: دار الغرب الإسلامی.
- خوانساری، محمدباقر. (۱۳۹۰ق). *روضات الجنات فی احوال العلماء والسادات*. قم: نشر اسماعیلیان.

- دارقطنی، علی بن عمر. (۱۳۸۶ق). السنن. تحقیق: یمانی مدنی، عبد الله هاشم. بیروت: دار المعرفة.
- دارمی، عبدالله بن عبد الرحمن. (۱۴۰۷ق). سنن دارمی. تحقیق: زمزلی فواز أحمد، علمی، خالد السبع. بیروت: دار الكتاب العربی.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۹۰). لغتنامه. زیر نظر دکتر محمد معین. تهران: انتشارات دانشگاه تهران و سازمان لغتنامه.
- دیلمی، شیرویه بن شهردار. (۱۴۰۶ق). الفردوس بمأثور الخطاب. تحقیق: سعید بن بسیونی زغلول. بیروت: دار الکتب العلمیة.
- دیاربکری، حسین بن محمد. (۱۴۲۴ق). تاریخ الخمیس فی أحوال أنفس النفیس. بیروت: دار صادر.
- ذهبی، محمد بن احمد. (۱۴۱۳ق). الکاشف. تحقیق: محمد عوامة خطیب. جدة: دار القبلة للثقافة الإسلامية.
- (۱۴۰۷ق). تاریخ الإسلام ووفیات المشاهیر والأعلام. تحقیق: تدمری، د. عمر عبد السلام. بیروت: دار الکتب العربی.
- (۱۳۸۲ق). میزان الاعتدال فی نقد الرجال. تحقیق: بجای، علی محمد. بیروت: دار المعرفة.
- (۱۴۲۷ق). سیر اعلام النبلاء. قاهرة: دار الحديث.
- رئیس، سلیمان. (۱۳۸۸). اثرات درمانی نمک. تهران: هزاره ققنوس.
- رحمانی همدانی، احمد. (۱۴۱۷ق). الامام علی بن ابی طالب علیه السلام: من حیة عنوان الصحیفة. تهران: المنیر للطباعة و النشر.
- رفیعی محمدی، ناصر. (۱۳۸۴). درسنامه وضع حدیث. قم: مرکز جهانی علوم اسلامی.
- زحیلی، وهبة بن مصطفى. (۱۴۱۸ق). التفسیر المنیر. چاپ دوم. بیروت- دمشق: دار الفکر المعاصر.
- زرکلی، خیرالدین. (۲۰۰۲م). الأعلام. أيار- مايو: دار العلم للملايين.
- زمخشري، محمود بن عمر. (۱۴۲۷ق). ربیع الأبرار ونصوص الاخبار. بیروت: دار الکتب العلمیة.
- زید بن علی علیه السلام. (۱۹۶۶م). مسند الامام زید. بیروت: دار مکتبة الحیة.
- سبکی، عبد الوهاب. (۱۴۱۳ق). طبقات الشافعية الكبرى. تحقیق: طنحی، محمود محمد، محمد الحلو، عبد الفتاح. هجر للطباعة والنشر والتوزيع.
- سلفی، احمد بن محمد. (۱۴۲۵ق). الطیوريات. ریاض: مکتبة أضواء السلف.
- (بی تا). معجم السفر. تحقیق: عبد الله عمر بارودی. مكة: المکتبة التجاریة.
- (۲۰۰۴م). الثانی عشر من المشیخة البغدادیة. مخطوط نُشر فی برنامج جوامع الكلم.
- (۲۰۰۴م). الأربعون حدیثاً من الجزء الرابع من کتاب الطب. مخطوط نُشر فی برنامج جوامع الكلم.
- سلمی، محمد بن حسین. (۱۴۱۰ق). آداب الصحبة. تحقیق: فتحی السید مجدی. مصر: دار الصحابة للتراث.
- (۱۴۲۱ق). حقائق التفسیر. تحقیق: سید عمران. بیروت: دار الکتب العلمیة.
- سمعانی، عبد الکریم. (۱۴۱۹ق). الانساب. بیروت: دار الکتب العلمیة.
- (۱۳۹۵ق). التجبیر فی المعجم الكبير. بغداد: رئاسة دیوان الأوقاف.
- سهمی قرشی، حمزة بن یوسف. (۱۴۰۴ق). سؤالات حمزة بن یوسف السهمی. ریاض: مکتبة المعارف.
- سیوطی، عبد الرحمن. (بی تا). بغية الوعاة. تحقیق: محمد أبو الفضل إبراهیم. لبنان- صیدا: المکتبة العصرية.
- (۱۴۱۷ق). الألاء المصنوعة فی الأحادیث الموضوعه. تحقیق: صلاح بن محمد بن عویضة. بیروت: دار الکتب العلمیة.
- (۱۴۱۴ق). جامع الاحادیث. بیروت: دار الفکر.

- شرف‌الدین، عبدالله. (بی تا). مع موسوعات رجال الشيعة. لندن: الارشاد.
- شوری، مجدی بن منصور. (بی تا). تحفة العروسین. تحقیق: علی بن نایف شحود. بی جا.
- شوکانی، محمد بن علی. (۱۴۰۷ق). الفوائد المجموعة فی الأحادیث الموضوعة. تحقیق: عبد الرحمن یحیی معلمی. بیروت: المکتب الإسلامی.
- شهرستانی، محمد. (۱۴۰۴ق). الملل والنحل. تحقیق: محمد سید کبلانی. بیروت: دار المعرفة.
- شوشتری، نورالله. (۱۴۰۹ق). احقاق الحق ویزهاق الباطل. قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.
- شیروانی، علی. (۱۳۸۶). برنامه سلوک در نامه‌های سالکان: با آثاری از عارفان وارسته: امام خمینی. قم: دار الفکر.
- صحیفه‌الرضا علیه السلام (منسوب به علی بن موسی). (۱۴۰۶ق). تحقیق: محمد مهدی نجف. کنگره جهانی امام رضا علیه السلام.
- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم. (۱۳۸۳). شرح أصول الکافی. تصحیح محمد خواجوی. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- صدرائی خوئی، علی. (۱۳۸۴). فاطمه معصومه علیها السلام و تاریخ و فرهنگ قم. قم: نشر زائر.
- صدقی، خلیل بن ایبک. (۱۴۲۰ق). الوافی بالوفیات. بیروت: دار احیاء التراث.
- صنعانی، محمد بن اسماعیل. (۱۳۷۹ق). سبل السلام. مکتبه مصطفی البابی الحلبی.
- طباطبایی، محمد کاظم. (۱۳۸۸). تاریخ حدیث شیعه. تهران: انتشارات سمت.
- طب‌الإمام‌الرضا علیه السلام (منسوب به علی بن موسی). (۱۴۰۲ق). تحقیق: محمد مهدی نجف. قم: دار الخیام.
- طبرانی، سلیمان بن أحمد. (۱۴۰۴ق). معجم الکبیر. تحقیق: حمدی بن عبدالمجید سلفی. موصل: مکتبه العلوم والحکم.
- طبرسی، حسن بن فضل. (۱۴۱۲ق). مکارم الاخلاق. چاپ چهارم. قم: دار الشریف الرضی.
- _____ . (۱۳۸۷). تکمله دوم طب العترة علیهم السلام. تهران: دانشگاه علوم پزشکی ایران. مؤسسه مطالعات تاریخ پزشکی. طب اسلامی و مکمل.
- طبری، أحمد بن عبد الله. (۱۴۱۸ق). الرياض النضرة. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- _____ . (۱۳۵۶ق). ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی. بیروت: دار الکتب المصریه.
- عجلونی، اسماعیل بن محمد. (۱۳۵۱ق). کشف الخفاء و مزیل الإلیاس. قاهره: مکتبه القدسی.
- عطائی، محمدرضا. (۱۳۸۸). امام رضا علیه السلام در آثار دانشمندان اهل سنت. مشهد: آستان قدس رضوی.
- عینی، محمود بن أحمد. (۱۴۲۰ق). شرح سنن أبی داود. تحقیق: خالد بن ابراهیم مصری. ریاض: مکتبه الرشد.
- غزّی عامری، أحمد. (۱۴۱۲ق). الجدل الحثیث فی بیان ما لیس بحدیث. ریاض: دار الراهیه.
- غزّی، محمد بن محمد. (۱۳۸۸ق). آداب العشرة و ذکر الصحبة و الأخوة. دمشق: مجمع اللغة العربیه.
- فخر رازی، محمد بن عمر. (۱۴۲۱ق). مفاتیح الغیب. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- فرحان العطار. (بی تا). تسهیل الوصول لفوائد سیر اعلام النبلاء. بی جا.
- فضل الله، محمد جواد. (۱۳۸۵). تحلیلی از زندگانی امام رضا علیه السلام. ترجمه محمد صادق عارف. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی قاری، علی بن محمد. (۱۳۹۱ق). الأسرار المرفوعة فی الأخبار الموضوعة. بیروت: دار الأمانة، مؤسسه الرساله.
- _____ . (۱۳۹۸ق). المصنوع فی معرفة الحدیث الموضوع. تحقیق: عبد الفتاح أبو غده. بیروت: مؤسسه الرساله.
- قاقوجی طرابلسی، محمد بن خلیل. (۱۳۳۱ق). اللؤلؤ المرصوع. تصحیح: محمد کمال الدین ابوالبقاء. مصر: مطبعة البارونیه.

- قرطبی، محمد بن أحمد. (۱۴۲۳ق). *الجامع لأحكام القرآن*. تحقیق: هشام سمیر بخاری. ریاض: دار عالم الکتب.
- قزوینی، محمد کاظم. (۱۴۲۶ق). *طب الإمام الصادق (علیه السلام)*. قم: قلم الشرق.
- قضاعی، محمد بن سلامه. (۱۴۰۷ق). *مسند الشهاب*. محقق: حمدی بن عبد المجید سلفی. بیروت: مؤسسة الرسالة.
- کاشانی، فتح الله. (بی تا). *منهج الصادقین فی الزام المخالفین*. تهران: کتابفروشی اسلامیة.
- کاشفی بیهقی، حسین بن علی. (بی تا). *القضا والقدر*. موقع جامع الحدیث. بی جا.
- کحاله، عمر رضا. (۱۴۱۴ق). *معجم المؤلفین*. بیروت: مؤسسه الرساله.
- کتبی، محمد بن عمر. (۱۴۰۹ق). *إختیار معرفة الرجال*. مشهد: مؤسسه نشر دانشگاه مشهد.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). *الکافی*. چاپ چهارم. تهران: دار الکتب الإسلامیة.
- مازندرانی، محمد صالح. (۱۳۸۲ق). *شرح الکافی*. تهران: المكتبة الإسلامیة.
- متقی، علی بن حسام الدین. (۱۴۰۱ق). *کنز العمال*. تحقیق بکری حیانی، صفوة السقا. بیروت: مؤسسة الرسالة.
- مجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۳ق). *بحار الانوار*. چاپ دوم. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- _____ (۱۴۰۴ق). *مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول*. چاپ دوم. تهران: دار الکتب الإسلامیة.
- مجلسی، محمد تقی. (۱۴۰۶ق). *روضة المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه*. چاپ دوم. تحقیق: حسین موسوی کرمانی، علی پناه اشتهازی. قم: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانبور.
- مستغفری، جعفر بن محمد. (۱۳۸۵ق). *طب النبی*. تحقیق: علی اکبر الهی خراسانی، نجف: مکتبه الحیدریه.
- مستنبط غروی، مرتضی. (۱۳۸۱ق). *مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن*. شرکت سهامی چاپ کتاب آذربایجان.
- مزّی، یوسف بن زکی. (۱۴۰۰ق). *تهذیب الکمال مع حواشیه*. تحقیق: بشار عواد معروف. بیروت: مؤسسة الرسالة.
- مصالنی پوریزدی، عباس؛ دیمه کار، محسن. (۱۳۸۹). «گونه شناسی روایات تفسیری امام رضا (علیه السلام)». حدیث پژوهی. سال دوم. شماره سوم. صص: ۳۷-۶۶.
- مفید، محمد بن محمد. (۱۴۱۴ق). *سلسله مؤلفات الشیخ المفید*. بیروت: دار المفید.
- مقدسی، محمد بن طاهر. (۱۴۱۵ق). *تذکره الحفاظ*. تحقیق: حمدی عبد المجید سلفی. ریاض: دار الصمیعی.
- مقرئ، ابوالفضل. (۱۹۹۶م). *احادیث فی ذم الکلام واهله*. تحقیق: ناصر بن عبد الرحمن جدیع. ریاض: دار اطلس.
- معارف، مجید. (۱۳۷۴). *پژوهشی در تاریخ حدیث شعبه*. مشهد: مؤسسه فرهنگی هنری ضریح.
- موسوی بهبهانی، علی. (۱۳۷۲). «ملاحظاتی درباره سهو النبی (صلی الله علیه و آله)». *نشریه علوم انسانی*. مجموعه مقالات کنگره شیخ مفید. شماره ۴۴. صص: ۳-۱۵.
- میرداماد، محمد باقر. (۱۳۹۷ق). *اثنی عشر رساله*. قم: ناشر: سید جمال الدین میردامادی.
- نجیب سالم، عبد الله. (بی تا). *التعریف ببعض علوم الإسلام الحنیف*. کویت: وزارة الأوقاف والشئون الإسلامیة.
- نوری، أبو المعاطی. (بی تا). *المسند الجامع المعلن*. بی جا.
- _____ (بی تا). *موسوعة أقوال الدار قطنی*. تحقیق: محمد مهدی منصور عبد الرحمان، أحمد عبد الرزاق زاملی، خلیل محمود. ملتقی أهل الحدیث.
- نیشابوری، محمود. (۱۴۱۵ق). *ایجاز البیان عن معانی القرآن*. تحقیق: حنیف بن حسن فاسمی. بیروت: دار الغرب الإسلامی.
- نیشابوری، حسن بن محمد. (۱۴۱۶ق). *غرائب القرآن و رغائب الفرقان*. تحقیق: عمیرات، زکریا. بیروت: دار الکتب العلمیة.

- ولایتی، علی اکبر. (۱۳۹۰). *دائرة المعارف پزشکی اسلام و ایران*. تهران: امیرکبیر.
 - همدانی جورقانی، حسین بن ابراهیم. (۱۴۲۲ق). *الأباطیل والمناکیر والصحاح والمشاهیر*. تحقیق: عبدالرحمن فریوائی. ریاض: دار الصمیعی.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی